

بررسی تاثیر آموزش گروهی داستان بر قضاوت اخلاقی دانش آموزان دختر پایه چهارم دبستان مدارس دولتی شهر تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۳/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۴/۲۳

مهسا سیروسی*

دکتر فریده دوکانه‌ای فرد**

دکتر فریبا حسنی***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر بخشی آموزش گروهی داستان بر قضاوت اخلاقی دانش آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی مدارس دولتی انجام شد. آزمودنی‌های این پژوهش را ۶۰ نفر از دانش آموزان (۳۰ نفر گروه آزمایشی، ۳۰ نفر گروه کنترل)، منطقه ۵ تهران تشکیل می‌دادند. آزمودنی‌ها به شیوه نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. یک کارگاه ۱۰ جلسه‌ای برای آزمودنی‌های گروه آزمایشی، تشکیل شد و به منظور جمع‌آوری اطلاعات از هر گروه در پیش آزمون - پس آزمون، از آزمودنی‌ها قضاوت اخلاقی (MJT)، استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کوواریانس استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که آموزش گروهی داستان بر قضاوت اخلاقی تاثیر معنادار دارد و بر ابعاد تشخیص، مقایسه، بهترین پاسخ اخلاقی، استدلال اخلاقی تاثیر معنادار مشاهده شد و بر ابعاد تعریف ارزش اخلاقی و جملات ناتمام تاثیر معنادار مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: آموزش گروهی، داستان، قضاوت اخلاقی، دانش آموزان

مقدمه

مفهوم اخلاق^۲ و قضاوت اخلاقی^۳ که قدمتش به عمرتاریخ نوع انسانی می‌رسد، یکی از بحث‌انگیزترین مطالبی است که پژوهش‌های زیادی درباره آن به عمل آمده است، که موضوع آن تنظیم رابطه انسان با خود، طبیعت و هموعانش است. سال‌ها پیش از بررسی‌های علمی و تفسیرهای فلسفی از اخلاق‌اندیشمندان آن روزگار با زبان خود به تفسیر و توضیح مفهوم اخلاق و قضاوت اخلاقی و شرایط ایجاد و رشد آن پرداختند. از آنجا که اصولاً مبانی اخلاق و قضاوت اخلاقی با مفاهیمی چون عدالت‌خواهی، نوع‌دوستی، رعایت حقوق هموعان خیرخواهی، توجه کافی به قوانین رسمی و غیررسمی و مانند آن پیوندی جدایی‌ناپذیر دارد و تاثیر مثبت رشد و تحول اخلاقی در سلامت جوامع انکارناپذیر است. به تبع این امر، بررسی و شناسایی عوامل موثر در آن کمک شایان توجهی به بسط‌گسترش اخلاق و قضاوت اخلاقی می‌نماید. جوامع امروزی به دلایل متعدد با مشکلات اخلاقی دست به گریبانند. علمای دینی، رهبران جامعه، پدران و مادران و مربیان مدارس، هریک به نوعی درصدد رفع مشکلات اخلاقی و ایجاد زحمینوشد و تحول اخلاقی هستند. زندگی در جامعه‌ی کم‌توجه و یا بی‌توجه به اصول اخلاقی، شرایط دشواری را برای زندگی ایجاد می‌کند که تحمل آن سخت و حتی غیر ممکن است بنابراین، نمی‌توان خواستار جامعه‌ی سالم و زندگی توأم با آسایش و آرامش بود، اما به اخلاق و رشد و تحول اخلاقی و مسایل مربوط به آن تفاوت ماند (بهزاد، ۱۳۸۲).

ژان پیاژه^۴ و لارنس کلبگ^۵ از نظریه پردازان شناختی در زمینه رشد اخلاق و قضاوت اخلاقی هستند. پیاژه معتقد است که اخلاق از رشد شناختی تاثیر می‌پذیرد و همانند هوش، طی مراحل متوالی رشد می‌کند. همچنین به نظر او هرگونه شناخت در کودک، از جمله شناخت ارزشهای اخلاقی از طریق تعامل فعال او با محیط خارج بوجود می‌آید. وی از نخستین کسانی است که به مطالعه چگونگی تفکر کودکان درباره موضوعات اخلاقی پرداخت و به دنبال مشاهدات گسترده، مصاحبه‌های بالینی مفصلی با کودکان چهار تا دوازده ساله انجام داد تا بداند که آنها در رابطه با قوانین حاکم بر بازی چگونه فکر می‌کنند. وی همچنین در رابطه با دروغ‌گویی، دزدی، تنبیه و عدالت، از آنها آزمونهای ساده‌ای به عمل آورد که در نهایت پس از بررسی‌های زیاد، مراحل رشد اخلاقی خودش را پیشنهاد داد که شامل دو مرحله‌ی اخلاق خودپیروی^۶ و اخلاق دیگر پیروی^۷ بود (کلدیور، ۱۳۸۶).

حدود سی سال پس از انتشار آرای پیاژه در زمینه اخلاق، لارنس کلبگ، تحقیقاتش را در زمینه تحول اخلاقی به شیوه پیاژه دنبال کرد و در این زمینه به گسترش نظریه او پرداخت. کلبگ تلاش کرد که تا رشد قضاوت اخلاقی را در چهارچوب یک نظریه شناختی مورد بررسی قرار دهد و همچون پیاژه بر این اعتقاد بود که مراحل رشد اخلاقی هر فرد توسط توانایی ذهنی و شناختی او تعیین می‌شود. کلبگ بر این باور بود که انسان هنگام تولد هیچ مفهومی درباره اخلاق، قضاوت اخلاقی، درستی و صداقت ندارد و وی دریافت که محیط خانواده نخستین منبع ارائه دهنده ارزشها و رشد اخلاقی در فرد است. به گمان وی یک فرد عادی، با میزان هوش و توانایی و تعامل معمولی با سایر افراد جامعه، می‌تواند الگوهای رفتار اخلاقی را بیاموزد و فرآیند کسب و رشد قضاوت اخلاقی در کودکان را در مدت زمان طولانی‌تر از مدتی که پیاژه به آن معتقد بود، تصور می‌کرد و آن را پدیده تدریجی می‌دانست (پارسا، ۱۳۸۹).

^۲. moral

^۳. moral judgment

^۴. Piaget, J.

^۵. Kohlberg, L.

^۶. outonomous morality

^۷. heteronomous morality

علاوه بر نظریه پردازان شناختی، نظریه پردازان دیگری نیز در زمینه اخلاق و قضاوت اخلاقی دیدگاه‌هایی را بیان کرده‌اند. روانکاو مشهور فروید، اخلاق را معادل با وجدان یا فراخود^۸ می‌داند و رشد اخلاق را در کودکان نتیجه فرآیندهای همانند سازی در ایجاد وجدان یا فراخود می‌داند. بندورا^۹ نظریه پرداز یادگیری اجتماعی، معتقد است: کودکان عمدتاً از طریق سرمشق‌گیری یاد می‌گیرند که به صورت اخلاقی، رفتار کنند و بعد از اینکه آنها یک پاسخ اخلاقی را فرا می‌گیرند، تقویت‌ها به شکل تحسین، همراه با تذکرات بزرگسالان در مورد اصول اخلاقی، فراوانی آن را بیشتر می‌کند (احدی و جمهری، ۱۳۸۶).

پرفسور گانداسینها و وارما سازندگان آزمون قضاوت اخلاقی (MJT)، قضاوت اخلاقی را، توانایی ارزیابی موقعیتها و امور اخلاقی بعنوان درست یا غلط، بر مبنای آگاهی از معیارهای اخلاقی توصیف می‌کنند (گانداسینها و وارما، ۱۹۹۸، ترجمه کرمی، ۱۳۸۵).

با توجه به اهمیت این موضوع در بیشتر مکاتب، بحث اخلاق مطرح شده است به نظر پیازه داشتن رفتار اخلاقی، مستلزم توانایی انجام قضاوت آگاهانه نسبت به کیفیت اعمال است طبیعی است که قضاوت آگاهانه وقتی امکان پذیر است که شخص به مرحله ای از رشد و کمال عقلی رسیده باشد تا بتواند چنین قضاوت آگاهانه ای را از خود بروز دهد. لارنس کلبگ نیز معتقد است که، اخلاق و قضاوت اخلاقی به منزله فرآیندهایی منظم در ساختار تحول عقلانی آدمی پدید می‌آیند. وی اخلاق را با مفهوم عدالت تبیین می‌کند و معتقد است که قضاوت های اخلاقی کودکان و نوجوانان متضمن برداشتهای متفاوتی از عدالت است به تعبیر بسیاری از مریبان و روانشناسان، کلید حل مسایل اجتماعی، در رشد اخلاقی و قضاوت اخلاقی است با این اعتقاد، اولین هدف هر نظام تربیتی، تربیت افراد با وجدان و متعهد است و باید آن را نوعی سرمایه‌گذاری برای نیل به اهداف والای انسانی تلقی کرد (کریمی، ۱۳۸۷).

در این راستا از شیوه‌های موثر در دستیابی به این اهداف والای انسانی استفاده از روشهای غیر مستقیم مانند داستان و داستان‌گویی است. اهمیت و جذابیت داستان و داستان‌گویی برای کودکان در متون مختلف و از منظر صاحب نظران، گوشزد شده است. درک داستان یکی از مقدماتی‌ترین مواردی است که در ذهن کودک پدید می‌آید و جامع‌ترین شیوه بکارگیری تجربه انسانی است. استفاده از داستان برای آموزش و شناساندن حقیقت، شیوه های درست زندگی، اخلاقیات و روش‌های دستیابی به کمال و موفقیت است. داستان و داستان‌گویی این امکان را فراهم می‌کند که فرد بیش از تجارب شخصی خود بیندیشد و برای حل مسایل خود راه‌های خلاقانه‌ای ایجاد کند (هریت اندرسن^{۱۰}، ۲۰۰۷).

داستان و داستان‌گویی، قدمتی تاریخی دارد، به گونه ای که بشر زندگی خود را در چهارچوب داستان ها به تصویر کشیده و داستان ها نیز زندگی بشر را شکل داده، دگرگون ساخته و متحول کرده‌اند. داستان‌ها بازنمایی ما از خودمان و تجربه‌هایمان است. استفاده از داستان‌ها برای آموزش و شناساندن حقیقت، شیوه های درست زندگی، اخلاقیات و روش‌های دستیابی به کمال و موفقیت است. اصطلاح داستان این موضوع را ممکن است در ذهن متبادر سازد که داستان بخشی از ارتباط جدی محسوب نمی‌شود، بلکه صرفاً برای سرگرمی است؛ در حالی که، داستان‌ها به ما می‌گویند در این جهان چگونه باشیم و این فرصت را فراهم می‌کند تا دیدگاه خود را نسبت به واقعیت تغییر دهیم؛ به عبارت دیگر، داستان‌ها بیانگر باورهای افراد درباره‌ی خودشان است (رحماندوست، ۱۳۸۷).

وقتی کودکان به داستان‌ها گوش می‌دهند، ممکن است با یک شخصیت، موضوع یا حادثه در داستان همدلی برقرار کنند. کودکان از طریق تجربه جانشینی با قهرمان داستان همانندسازی کرده، پیامدهای رفتار را مورد تجزیه و

^۸ super ego

^۹ Bandura

^{۱۰} Harriet Anderson, J.

تحلیل قرار می‌دهند و سپس آن را الگو برداری کرده و به کار می‌برند. یکی از فنون ملموس کردن رفتارهای مناسب، طرح رفتار صحیح در قالب رفتار شخصیت‌های داستان است؛ زیرا، با داستان می‌توان مهارت‌های متنوعی را به کودکان آموخت و حتی تفکر درست را در آنها پرورش داد (سرات^{۱۱}، ۲۰۰۸).

رویکردهایی مانند روان تحلیل‌گری، آدلری، شناخت درمانی و رفتار درمانی درباره جایگاه داستان در کمک به کودکان، دیدگاه‌های خود را مطرح کرده‌اند. در رویکرد روان تحلیل‌گری، به سه مرحله همانند سازی^{۱۲}، تخلیه هیجانی^{۱۳} و بینش^{۱۴} در فرآیند درمان کودک از طریق داستان اشاو شده است. در رویکرد آدلری، درمانگر از داستان برای رسیدن به بینش نسبت به اهداف اشتباه کودک بهره می‌گیرد و در رویکرد شناختی، درمانگر از طریق داستان، فرصتی را برای به چالش کشیدن باورهای نادرست کودک از طریق شخصیت‌های داستان فراهم می‌کند (باتچر^{۱۵}، ۲۰۰۶). متخصصان و محققان با توجه به اهمیت موضوع، به بررسی کارکردهای داستان و داستان‌گویی پرداختند. به عنوان مثال، هوی و لاوو^{۱۶} (۲۰۰۶)، در پژوهشی به بررسی تاثیر داستان بر مهارت‌های اجتماعی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که داستان و داستان‌گویی موجب افزایش مهارت‌های اجتماعی در کودکان می‌شود. تیز^{۱۷} (۲۰۰۴)، نیز در پژوهشی به بررسی تاثیر داستان بر رشد اخلاقی پرداخته و نشان داد که داستان می‌تواند یکی از بخش‌های اساسی آموزشی و اخلاقی باشد.

نرویز^{۱۸} و گلسن^{۱۹} (۲۰۰۷)، در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین رشد قضاوت اخلاقی و تجارب آموزشی از طریق یادآوری داستان‌ها و متون اخلاقی در دانشجویان آمریکایی، به این نتیجه دست یافتند که قضاوت اخلاقی به طور معناداری در هنگام یادآوری و تشریح داستان‌ها و متون اخلاقی افزایش می‌یابد.

- نتایج پژوهش یانگ^{۲۰} و گوینگز^{۲۱} (۲۰۰۷)، با عنوان تاثیر نقش احساسات در شناخت اخلاقی و قضاوت اخلاقی با استفاده از داستان‌گویی در مراجعین کلینیک عصب شناختی در آمریکا، نشان داد که علاوه بر این که احساسات در طول شناخت اخلاقی و قضاوت اخلاقی افراد نقش دارد، احساسات شاخص اصلی در اخلاقیات و قضاوت اخلاقی است.

میلر^{۲۲} و فانگولیانگ^{۲۳} (۱۹۹۷)، پژوهشی در زمینه استفاده از داستان برای انتقال ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی در خانواده‌های طبقه متوسط اروپایی، آمریکایی و تایوانی انجام داده‌اند و نتایج پژوهش آنها نشان داده که خانواده‌های تایوانی از داستان به عنوان ابزار آموزشی برای انتقال معیارهای اجتماعی و اخلاقی استفاده می‌کردند، در حالی که خانواده‌های اروپایی و آمریکایی داستان را یک سرگرمی تلقی می‌کردند (فرهادی، ۱۳۸۳).

داستان نقش بسیار مهمی در تکوین شخصیت افراد دارد. افراد از طریق داستان‌ها، به بسیاری از ارزش‌های اخلاقی مانند پایداری، شجاعت، نعدوستی، امیدواری، طرفداری از حق و حقیقت، فضیلت، راستگویی، استقامت در برابر زور و ستم‌پی می‌برند و به طبع آن افراد می‌توانند ارزش‌هایی را که پایه و اساس قضاوت‌های اخلاقی صحیح آنها است را شکل دهند. لذا بر طبق یافته‌های پژوهشی تیز^{۲۴} (۲۰۰۴)، میلر و فانگولیانگ^{۲۵} (۱۹۹۷)، هوی و لاوو

^{۱۱}. Serrat, O.L.
^{۱۲}. identification
^{۱۳}. abreaction catharsis
^{۱۴}. insight
^{۱۵}. Butcher, S.E.
^{۱۶}. Hai & Lau
^{۱۷}. Teez
^{۱۸}. Narvaez, D.
^{۱۹}. Gleason, T.
^{۲۰}. young, L.
^{۲۱}. Koenigs, M.
^{۲۲}. Miler
^{۲۳}. Fangoliang

(۲۰۰۶)، نرویز وگسن (۲۰۰۷)، رایت و همکاران (۲۰۱۱)، ندافی (۱۳۸۹)، در زمینه داستان، می توان عنوان کرد که داستان‌ها چهارچوبی برای آموزش، کارایی روابط بین فردی، اصلاح رفتار، پرورش مهارت های انسانی فراهم می‌آورند. همچنین یافته‌های پژوهشی یانگ و گوینگز (۲۰۰۷)، پلینزی و همکاران (۲۰۱۰)، جز (۲۰۰۵)، گرین و هیدت (۲۰۰۳)، اسماعیلی (۱۳۸۷)، ضیایی (۱۳۸۹)، عوامل تاثیر گذار بر قضاوت اخلاقی را، رشد شناختی، باورها و اعتقادات، پیامد سود گرایانه، انگیزه، فرهنگ، احساسات، جایگاه اقتصادی- اجتماعی، می‌دانند.

لذا با توجه به مسائل تبیین شده در زمینه داستان و قضاوت اخلاقی، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال کلی است که آیا آموزش گروهی داستان بر قضاوت اخلاقی دانش آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی مدارس دولتی تاثیر دارد؟ و در راستای نیل به این هدف پژوهشی تاثیر آموزش گروهی داستان بر هریک از ابعاد قضاوت اخلاقی دانش آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی مدارس دولتی شهر تهران نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

روش

پژوهش حاضر یک پژوهش نیمه آزمایشی، از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل و با گمارش تصادفی است (دلاور، ۱۳۸۵). در این پژوهش، متغیر وابسته (قضاوت اخلاقی)، قبل و بعد از اجرای متغیر مستقل (آموزش گروهی داستان)، اندازه‌گیری شد. جامعه آماری پژوهش عبارت بود از کلیه دانش آموزان دختر پایه چهارم دبستان مدارس دولتی شهر تهران که در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ در این مدارس مشغول به تحصیل بودند. که از این بین تعداد ۶۰ دانش آموز با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای، انتخاب و در پژوهش شرکت نمودند. از بین مناطق ۲۲ گانه کشور، منطقه پنج و از این منطقه دو دبستان به صورت تصادفی انتخاب شد. با توجه به حجم نمونه و معیار انتخاب افراد گروه نمونه، تعدادی دانش آموز از دو دبستان انتخاب شده، دانش آموزان یکی از دبستان‌ها به صورت تصادفی به عنوان گروه کنترل و دیگری به عنوان گروه آزمایش، انتخاب شدند. از هر دو گروه، پیش‌آزمون قضاوت اخلاقی (MJT) گرفته شد و بعد از یک دوره ۱۰ جلسه‌ای آموزش گروهی داستان (داستان‌گویی)، به گروه آزمایش، از هر دو گروه مجدداً پس‌آزمون قضاوت اخلاقی گرفته شد.

در انتخاب و طرح داستانها در جلسات مداخله نکات زیر رعایت شده است:

- داستان‌ها بر اساس ارزش‌های اخلاقی (حرص و طمع، دروغ، راستگویی، وفاداری، مهربانی و شفقت، احترام، قضاوت نکردن بر اساس ظواهر، سخاوت و بخشندگی)، که گاندااسینها و وارما برطبق آنها، آزمونشان را طراحی کردند، انتخاب شده است.

- داستان‌ها از میان آثار نویسندگان مشهور در زمینه ادبیات کودکان برگزیده شده است.

شلغم غول‌آسا (برادران گریم)، جوجه اردک زشت (هانس کریستین آندرسن)، دختر دهقان (زهره پریخ)، شاهزاده خوشبخت (اسکار وایلد)، چوپان دروغگو (ازوپ)، سگ بی وفا (سامریت بوآسیسوات)، شوگا خانم (نیامیائان)، کلاغ و کبوتر (مهدی آذریزدی).

- داستان‌ها متناسب با سن آزمودنی‌ها انتخاب شده است.

- داستان‌ها توسط اساتید زبده در این زمینه در جهت تعیین روانی محتوایی تأیید گردیده است.

در این پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه قضاوت اخلاقی گاندااسینها و وارما است، که در آن از

سؤالات بسته استفاده شده است و با اعمال تغییراتی به دلیل انطباق با فرهنگ اخلاقی و تربیتی ایرانی، در این پژوهش به کار گرفته شده است. پیمشنامه مورد استفاده از ۴۳ سؤال چهارگزینه‌ای تشکیل شده است که تنها یکی

از گزینه‌ها، صحیح می‌باشد. پایایی آزمون ۵۰ سؤالی قضاوت اخلاقی گاندااسینها و وارما با استفاده از فرمول

اسپیرمن براون ۰/۹۳ گزارش شده است. پایایی این آزمون در پژوهش حاضر با اجرای آن بر روی ۱۰۰ نفر از دانش‌آموزان دختر پایه چهارم دبستان از طریق بازآزمایی ۰/۸۴ به دست آمده است. در این پژوهش، برای رسیدن به روایی محتوایی مناسب، پرسشنامه به همراه اهداف و فرضیه‌ها به تعدادی از افراد متخصص در این زمینه داده شد تا درباره محتوای سؤالات پرسشنامه و تناسب و هماهنگی آن با اهداف و فرضیه‌های پژوهش، قضاوت و داوری کنند. آنگاه نظرات آنان جمع‌آوری و سؤالاتی که همه اساتید روی آن توافق داشتند، نگهداری و سؤالاتی که همگی توافق بر نامناسب بودن آنها داشتند (۲، ۴، ۷، ۱۰، ۱۱، ۲۰، ۳۵)، حذف شد و پرسشنامه مورد بازنگری قرار گرفت و بعد از اصلاح و تکمیل فرم ۴۳ سؤالی آن بر روی آزمودنی‌ها اجرا گردید.

یافته‌ها

فرضیه اصلی: آموزش گروهی داستان بر قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان دختر پایه چهارم دبستان مدارس دولتی شهر تهران در سال ۹۰-۸۹ تاثیر دارد.

جدول ۱- میانگین نمره قضاوت اخلاقی پیش آزمون - پس آزمون در دو گروه کنترل و آزمایش

گروه	کنترل	آزمایش
پیش آزمون	۳۶/۸۶	۳۶/۷۶
پس آزمون	۳۵/۹	۴۰/۲

جدول ۲- نتایج بررسی آزمون F لَوْن جهت بررسی مفروضه همگنی واریانسها

متغیر	F	سطح معناداری
مفروضه همگنی واریانسها	۱/۳۶۹	۰/۳۵۶

اطلاعات مندرج در جدول نشان می‌دهد که F محاسبه شده (۱/۳۶۹)، از F جدول کوچکتر است. لذا فرض صفر مبنی بر همگن بودن واریانسها تایید می‌شود؛ بنابراین، می‌توان آزمون تحلیل کوواریانس را انجام داد.

جدول ۳- نتایج آزمون تحلیل کوواریانس

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معنی‌داری
گروه	۲۷۹/۰۸	۱	۲۷۹/۰۸	۷/۹	۰/۰۰۷
خطا	۲۰۱۱/۶۹	۵۷	۳۵/۲۹	-	-
کل	۸۹۷۵۵	۶۰	-	-	-

اطلاعات مندرج در جدول نشان می‌دهد که F محاسبه شده ۷/۹ است که از F جدول با درجه آزادی ۱ و (۰/۰۱ < p)، بزرگتر است، لذا فرض صفر مبنی بر عدم وجود تاثیر رد و فرض خلاف پذیرفته می‌شود. لذا با اطمینان ۹۹٪ می‌توان ادعا کرد، آموزش گروهی داستان بر قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان دختر پایه چهارم دبستان مدارس دولتی شهر تهران در سال ۹۰-۸۹ تاثیر دارد.

در راستای بررسی تاثیر آموزش گروهی داستان بر ابعاد مختلف قضاوت اخلاقی دانش آموزان دختر پایه چ هارم دبستان مدارس دولتی شهر تهران تفاوت میانگین های دو گروه در هریک از ابعاد قضاوت اخلاقی نیز توسط آزمون تحلیل کوواریانس مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۴- میانگین نمره "بعد تشخیص" پیش آزمون - پس آزمون در دو گروه کنترل و آزمایش

گروه	کنترل	آزمایش
پیش آزمون	۷/۳۳	۸/۵
پس آزمون	۷/۳	۸/۷

جدول ۵- نتایج آزمون تحلیل کوواریانس

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معنی داری
گروه	۱۲/۳۷	۱	۱۲/۳۷	۵/۱۶	۰/۰۲۷
خطا	۱۳۶/۶	۵۷	۲/۳۹	-	-
کل	۳۹۷/۶	۶۰	-	-	-

اطلاعات مندرج در جدول نشان می دهد که F محاسبه شده ۵/۱۶ است که از F جدول با درجه آزادی ۱ و (p<۰/۰۵)، بزرگتر است، لذا فرض صفر مبنی بر عدم وجود تاثیر رد و فرض خلاف پذیرفته می شود . لذا با اطمینان ۹۵٪ می توان ادعا کرد آموزش گروهی داستان بر قضاوت اخلاقی در بعد تشخیص دانش آموزان پایه چهارم دبستان مدارس دولتی شهر تهران در سال ۹۰-۸۹ تاثیر دارد.

جدول ۶- میانگین نمره "بعدهجملات ناتمام" پیش آزمون - پس آزمون در دو گروه کنترل و آزمایش

گروه	کنترل	آزمایش
پیش آزمون	۷/۹	۸/۱۶
پس آزمون	۷/۹۳	۸/۳۶

جدول ۷- نتایج آزمون تحلیل کوواریانس

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معنی داری
گروه	۲/۵	۱	۲/۵	۰/۷۸۷	۰/۳۷۹
خطا	۱۸۱/۷	۵۷	۳/۱۸	-	-
کل	۴۱۷۱	۶۰	-	-	-

اطلاعات مندرج در جدول نشان می دهد که F محاسبه شده ۰/۷۸۷ است که از F جدول کوچکتر است . لذا فرض صفر مبنی بر عدم وجود تاثیر پذیرفته می باشابه عبارتی، آموزش گروهی داللتبر قضاوت اخلاقی در بعد جملات ناتمام دانش آموزان دختر پایه چهارم دبستان مدارس دولتی شهر تهران در سال ۸۹-۹۰ تاثیر معناداری ندارد

جدول ۸- میانگین نمره "بعد مقایسه" پیش آزمون - پس آزمون در دو گروه کنترل و آزمایش

گروه	کنترل	آزمایش
پیش آزمون	۶	۵/۸
پس آزمون	۵/۷	۶/۵

جدول ۹- نتایج آزمون تحلیل کوواریانس

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معنی داری
گروه	۹/۵	۱	۹/۵	۴/۵۷	۰/۰۳۷
خطا	۱۱۸/۴۵	۵۷	۲/۰۷۸	-	-
کل	۲۳۷۳	۶۰	-	-	-

اطلاعات مندرج در جدول نشان می دهد که F محاسبه شده ۴/۵۷ است که از F جدول بزرگتر است . لذا فرض صفر مبنی بر عدم وجود تاثیر رد و فرض خلاف پذیرفته می شود . لذا با اطمینان ۹۵٪ می توان ادعا کرد آموزش گروهی داستان بر قضاوت اخلاقی در بعد مقایسه دانش آموزان دختر پایه چهارم دبستان مدارس دولتی شهر تهران در سال ۸۹-۹۰ تاثیر دارد.

جدول ۱۰- میانگین نمره "بعد بهترین پاسخ اخلاقی" پیش آزمون - پس آزمون در دو گروه کنترل و آزمایش

گروه	کنترل	آزمایش
------	-------	--------

پیش آزمون	۴/۷	۴/۹۶
پس آزمون	۴/۵	۵/۵۳

جدول ۱۱- نتایج آزمون تحلیل کوواریانس

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معنی داری
گروه	۱۵/۵۳	۱	۱۵/۵۳	۶/۱۲	۰/۰۱۶
خطا	۱۴۴/۶۴	۵۷	۲/۵۳	-	-
کل	۱۶۷۱	۶۰	-	-	-

اطلاعات مندرج در جدول نشان می دهد که F محاسبه شده ۶/۱۲ است که از F جدول بزرگتر است. لذا فرض صفر مبنی بر عدم وجود تاثیر رد و فرض خلاف پذیرفته می شود. لذا با اطمینان ۹۵٪ می توان ادعا کرد، آموزش گروهی داستان بر قضاوت اخلاقی در بعد بهترین پاسخ اخلاقی دانش آموزان دختر پایه چهارم دبستان مدارس دولتی شهر تهران در سال ۹۰-۸۹ تاثیر دارد

جدول ۱۲- میانگین نمره "بعد استدلال اخلاقی" پیش آزمون - پس آزمون در دو گروه کنترل و آزمایش

گروه	کنترل	آزمایش
پیش آزمون	۴/۱۶	۴/۲۳
پس آزمون	۴/۰۶	۴/۸

جدول ۱۳- نتایج آزمون تحلیل کوواریانس

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معنی داری
گروه	۸/۶	۱	۸/۶	۴/۷۷	۰/۰۳۳
خطا	۱۰۲/۹۳	۵۷	۱/۸	-	-
کل	۱۲۹۲	۶۰	-	-	-

اطلاعات مندرج در جدول نشان می دهد که F محاسبه شده ۴/۷۷ است که از F جدول بزرگتر است. لذا فرض صفر مبنی بر عدم وجود تاثیر رد و فرض خلاف پذیرفته می شود. لذا با اطمینان ۹۵٪ می توان ادعا کرد آموزش گروهی داستان بر قضاوت اخلاقی در بعد استدلال اخلاقی دانش آموزان دختر پایه چهارم دبستان مدارس دولتی شهر تهران در سال ۹۰-۸۹ تاثیر دارد.

جدول ۱۴- میانگین نمره "بعد تعریف ارزش اخلاقی" پیش آزمون - پس آزمون در دو گروه کنترل و آزمایش

گروه	کنترل	آزمایش
پیش آزمون	۶/۲۶	۶
پس آزمون	۶/۲۳	۶/۵

جدول ۱۵- نتایج آزمون تحلیل کوواریانس

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معنی داری
گروه	۱/۰۰۷	۱	۱/۰۰۷	۰/۳۱۷	۰/۵۷۵
خطا	۱۸۰/۸۵	۵۷	۳/۱۷	-	-
کل	۲۶۱۴	۶۰	-	-	-

اطلاعات مندرج در جدول نشان می دهد که F محاسبه شده ۰/۳۱۷ است که از F جدول کوچکتر است . لذا فرض صفر مبنی بر عدم وجود تاثیر پذیرفته می باشد؛ به عبارتی، آموزش گروهی داستان بر قضاوت اخلاقی در بعد تعریف دانش آموزان دختر پایه چهارم دبستان مدارس دولتی شهر تهران در سال ۹۰-۸۹ تاثیر معناداری ندارد.

بحث

امروزه آموزش و پرورش در ایران شاهد پسرقت روزافزون تربیتی و اخلاقی دانش آموزان است . باتوجه به تحولات فرهنگی و تغییرات اجتماعی در جامعه معاصر، اخلاق و موضوعات اخلاقی به صورت قابل توجهی مورد چالش قرار گرفته و به جهت دوره گزار فرهنگی که در حال رخ دادن است، به نظر می رسد که اخلاقیات نسلهای پیشین، امروزه دیگر در نزد نسل جدید کاربردی ندارد و نسل های جدید باورهای اخلاقی گذشتگان خود را ک متر قبول دارند و در این میان هنوز جایگزینی نیز برای اینگونه باورهای اخلاقی وجود ندارد . همانگونه که بسیاری از اندیشمندان پیشین به این موضوع اشاره کرده اند و پیش از این زنگ خطر را به صدا در آورده اند این امر می تواند موجب بحران های اخلاقی در میان نسل های جدع شود. این در حالی است که برجستگان و صاحب نظران تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش آینده ی جهان را با گرایش مسلط به سوی تربیت اخلاقی قلمداد کرده اند و این گرایش معقول را تنها راه رهایی بشر از بحران اخلاقی که هم اینک گریبانگیر اوست، می دانند.

در این پژوهش به بررسی تاثیر آموزش گروهی داستان بر قضاوت اخلاقی دانش آموزان دختر پایه چهارم دبستان مدارس دولتی شهر تهران پرداخته شد و در نهایت نتایج حاصل از آزمون آماری تحلیل کوواریانس نشان داد: F محاسبه شده ۷/۹ است که از F جدول با درجه آزادی ۱ و $(P < ۰/۰۱)$ ، بزرگتر است بنابر این نتیجه می توان عنوان نمود که آموزش گروهی داستان بر قضاوت اخلاقی دانش آموزان دختر پایه چهارم دبستان، تاثیر معناداری داردیافته های تحقیق حاضر در مورد این فرضیه با پژوهش منصفی (۱۳۸۸) و جهانی (۱۳۸۶)، همسو و همخوان است نتیجه پژوهش منصفی (۱۳۸۸)، نشان می دهد که آموزش فلسفه از طریق داستان گویی بر افزایش قضاوت اخلاقی دانش آموزان مؤثر است . در پژوهش جهانی (۱۳۸۶)، نیز نشان داده شد که اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان از طریق داستان علاوه بر تأثیرات آموزشی در پژوهش مهارت های انسانی از حیث رشد اخلاقی و ارزشهای اخلاقی نیز مؤثر است

همچنین یافته این فرضیه از پژوهش با بخشی از پژوهش های محققان خارجی مانند نرویز و گلسن (۲۰۰۷)، مهتا و وایتبرید (۲۰۰۶)، تیز (۲۰۰۴)، هماهنگ و همسو است. نرویز و گلسن (۲۰۰۷)، به این نتیجه دست یافته اند که، قضاوت اخلاقی کودکان از طریق آموزش مسائل اخلاقی به شیوه داستان گویی و یادآوری مجدد داستان های آموخته شده پیشین، رشد چشمگیری داشته است. مهتا و وایتبرید (۲۰۰۶)، نیز به این نتیجه دست یافته اند که آموزش فلسفه از طریق داستان باعث تحول اجتماعی، عاطفی و اخلاقی دانش آموزان می شود. تیز (۲۰۰۴)، در پژوهش نشان داد که داستان ها عوامل اساسی در رشد اخلاقی به شمار می روند.

همچنین بررسی تاثیر آموزش گروهی داستان بر ابعاد مختلف قضاوت اخلاقی دانش آموزان دختر پایه چهارم دبستان مدارس دولتی شهر تهران با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس نشان داد آموزش گروهی داستان بر ابعد تشخیص، مقایسه، بهترین پاسخ اخلاقی و استدلال اخلاقی در سطح ($P < 0/05$) موثر است اما این اثربخشی در ابعاد جملات ناتمام و تعریف ارزش اخلاقی مشاهده نشد.

در تبیین این نتایج می‌توان به نظریات پیاژه در زمینه رشد شناختی کودکان اشاره کرد. به نظر وی، کودکان این سنین از لحاظ رشد شناختی در مرحله عملیات عینی هستند، بدین معنی که، توان انجام برخی از فعالیتهای ذهنی را دارند و در هنگام حل مسأله نیاز کمتری به دادههای عینی دارد، اما هنوز نمی‌توانند کاملاً به صورت انتزاعی بیاندهند. با توجه به این امر، بعد جملات ناتمام در این آزمون دارای مفاهیم کاملاً انتزاعی (گناه، فریب، حرص و طمع و ...)، می‌باشد که درک این مفاهیم برای کودکان سن ده سال با توجه به خصوصیات رشد شناختی شان به طور کامل امکان‌پذیر نمی‌باشد. نتایج پژوهش اسماعیلی (۱۳۸۷)، نیز مؤید این امر است که با افزایش سن کودکان و متناسب با رشد شناختی آنها، رشد قضاوت اخلاقی نیز افزایش می‌یابد و افراد درک بهتری از مفاهیم اخلاقی خواهند داشت از سوی دیگر در تبیین عدم تاثیر آموزش گروهی داستان بر بعد تعریف ارزش اخلاقی، می‌توان به نظرات کانت، دورکیم و دیویی اشاره نمود. کانت معتقد به درونی بودن قوانین اخلاقی است و بیان می‌کند هنگامی فرد می‌تواند مفاهیم اخلاقی را درک کند که آن را درونی کرده باشد. همچنین هنگامی مفاهیم اخلاقی درونی می‌شود که فرد وارد مرحله خود پیرو شود کودکان در مرحله دگر پیرو، اعمالی را خوب تلقی می‌کنند که از سوی بزرگترهاشان به آنها، آنگونه معرفی شده است و مورد تأیید بزرگترهاست؛ بنابراین، تعاریف کودکان از ارزش‌های اخلاقی با توجه به ارزشهای والدین، با یکدیگر متفاوت می‌باشد. دورکیم نیز معتقد است که نمی‌توان حکم کرد چه چیز فعالیت اخلاقی است و چه چیز نیست؛ زیرا، این امر بسته به شرایط اجتماعی دارد و قواعد اخلاقی در جوامع مختلف متفاوت است. در این راستا دیویی معتقد است: اخلاق و مفاهیم آن نسبی است و در شرایط مختلف و در جریان فعالیت‌های ما مفاهیم اخلاقی ثابت و یکسان نیستند؛ بنابراین، با توجه به اینکه آزمودنی‌ها از لحاظ شرایط اعتقادی دارای تفاوت هستند، لذا تعاریفشان از مفاهیم اخلاقی متفاوت است و این امر در تأیید فرض صفر مؤثر بوده است، همچنین می‌توان به عواملی از قبیل مسائل فرهنگی، تفاوت جامعه آماری و نمونه و تفاوت در ابزار آماری به کار رفته اشاره کرد. نتیجه پژوهش جز (۲۰۰۵)، که نشان داد کودکان از باورها و اعتقاداتشان در قضاوت‌های اخلاقیشان بهره می‌گیرند با یافته این فرضیه همسو می‌باشد.

در یک جمع بندی کلی، پژوهش حاضر به بررسی تاثیر آموزش گروهی داستان بر قضاوت اخلاقی پرداخته است و با توجه به نتایج بدست آمده، این آموزش موجب بهبود قضاوت اخلاقی دانش آموزان شده است. همانطور که پیش از این نیز بیان شد، توانایی انجام قضاوت اخلاقی در دنیای پیچیده امروز، مهارتی اساسی برای هر انسانی است و در دوران کودکی بهترین فرصت برای چنین تمرین نابی است. بنابراین با استفاده از شیوه داستان‌گویی می‌توان کودکان را در این مهارت اساسی، یاری کرد.

با توجه به نتایج بدست آمده توصیه می‌شود مدارس، مهد کودک‌ها، مراکز بهزیستی و مراکز تربیت و اصلاح در جریان برنامه‌های تعلیم و تربیتی خود از ارزش داستان‌گویی به عنوان وسیله ای برای رشد قضاوت اخلاقی دانش آموزان استفاده نمایند. همچنین با توجه به تأثیرات مثبتی که این شیوه آموزشی بر یادگیری دانش آموزان دارد، پیشنهاد می‌شود آموزش و پرورش اقدام به برگزاری دوره‌های آموزش از طریق داستان‌گویی به معلمان مدارس کند تا دانش آموزان از فواید آن بهره‌مند شوند.

در نهایت لازم به ذکر است که گروه نمونه پژوهش حاضر را دانش آموزان دختر سال چهارم دبستان شهر تهران

تشکیل می‌دهند، همین امر امکان تعمیم نتایج به سایر دانش‌آموزان را با مشکل مواجه می‌کند.

منابع

- احدی، حسن، و جمهوری، فرهاد. (۱۳۸۶). روانشناسی رشد نوجوانی، بزرگسالی (جوانی، میانسالی، پیری)، تهران: بنیاد.
- اسماعیلی، معصومه. (۱۳۸۷). مقایسه رشد قضاوت اخلاقی و رشد شناختی در نوجوانان عادی و بزهکار
- بهزاد، محمود. (۱۳۸۲). ابعاد انسانی نوع آدمی. تهران: هدایت.
- پارسا، محمد. (۱۳۸۹). روانشناسی رشد کودک و نوجوان. تهران: بعثت.
- دلاور، علی. (۱۳۸۵). احتمالات و آمار کلوربدی در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: رشد.
- جهانی، جعفر. (۱۳۸۶). نقد و بررسی کمیت و کیفیت برنامه درسی مصوب دوره دکتری برنامه ریزی درسی قلمرو برنامه درسی در ایران. تهران: سمت.
- رحماندوست، مصطفی. (۱۳۸۷). قصه‌گویی و اهمیت و راه و رسم آن. تهران: رشد.
- ضیایی، مریم، و پور اعتماد، حمیدرضا، و حسن زاده توکلی، محمدرضا. (۱۳۸۸). آیا قضاوت اخلاقی وابسته به فرهنگ است؟. مجله علوم رفتاری، ۳، ۲۳۱ – ۲۲۵.
- فرهادی، سمیه. (۱۳۸۳). بررسی تاثیر آموزش از دو طریق سخنرانی و داستان گویی بر آگاهی و نگرش دانش آموزان پسر پایه سوم ابتدایی شهرکرد در رابطه با پیشگیری از حوادث و سوانح. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- کریمی، یوسف. (۱۳۸۷). روانشناسی اجتماعی نظریه‌ها، مفاهیم، کاربردها. (ویرایش سوم). تهران: ارسباران.
- کدیور، پروین. (۱۳۸۶). روانشناسی اخلاق. تهران: آگاه.
- گانداسینها، دور، و وارما، میرا. (۱۹۹۸). آزمون قضاوت اخلاقی (MJT). (مترجم ابوالفضل کریمی، ۱۳۸۵). تهران: روان تجهیز سینا.
- منصفی، سارا. (۱۳۸۸). تاثیر اجرای برنامه آموزش فلسفه بر روی قضاوت اخلاقی کودکان ۱۱-۷ ساله تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.
- ندافی، احمد. (۱۳۸۹). تاثیر قصه گویی بر آموزش برخی مفاهیم شهروندی کودکان ۶ ساله پسر شهر مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه علامه طباطبایی.
- **Butcher, S.E. (2006).** Narrative as a teaching strategy. *Journal of correctional education*, 57, 195- 208.
- **Greene, J. & Haidt, 1 (2003).** How and where does moral judgment work. *Trends in cognitive sciences*, 61(2), 517-523.
- **Harriet Anderson, J. (2007).** The role of storytelling and personal narrative in cognitive moral and oral language development. A project submitted to the faculty of the evergreen state college, 82-90.
- **Hui. A., & Lau, S. (2006).** Storytelling for increce socid ski Is center for child development. Available from: www.sciencedirect.com.
- **Jose, P.E. (2005).** Jast-world reasoning in children's immanent justice judgments. *National in stitutes of health*, 61(4), 1024,1033. -King, C. (2008). Successful storytellers. Available from: [www. Creative keys.net](http://www.Creativekeys.net).
- **Narvaez, D., & Gleason, T. (2007).** The relation of moral judgment development and educational experience to recall of moral narratives and expository

texts. *National Institutes of Health*, 168(30),251-276.

– **Pellizzoni, S., Siegal, M., & Surian, L. (2010).** The contact principle and utilitarian moral judgments in young children. *National Institutes of Health*, 13(2), 265-270.

– **Serrat, Q. (2008).** Storytelling. *Knowledge solutions*, 10, 122-129.

– **Teez, S. (2004).** Narrative as a teaching strategy. *Journal of correctional education*, 57, 195-208.

– **Wright, H.H., Capilout, G.J., Srinivason, C., & Fergadiotis, G. (2011).** Story processing ability in cognitively healthy younger and older adults. *National Institutes of Health*, 54(3), 900-917.

– **Young, L., & Koenigs, M. (2007).** Investigating emotion in moral cognition: a review of evidence from functional neuroimaging and neuropsychology. *National Institutes of Health*, 84,69-79.

